

دشمن درونی، دشمن بیرونی

طراحی این صفحه تغییر کرده است، برای ارجاع به صفحه‌ی قبلی اینجا کلیک کنید.

دشمن درونی، دشمن بیرونی

آن وقت عوامل بیرونی است، که دیگر الی ماشاءالله وجود داشته است؛ همه‌ی کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدف‌های انقلاب متضرر میشدند، اینها جلوی انقلاب ایستادند. از امنیت یک عده‌ای متضرر میشوند، از عدالت یک عده‌ای متضرر میشوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عده‌ای متضرر میشوند، از نفی سلطه‌ی بیگانه یک جماعتی متضرر میشوند، از نفی استبداد یک عده‌ای متضرر میشوند. اینها را شما میدانید؛ توضیح لازم ندارد. کی‌ها از عدالت یا از استقلال یا از آزادی و امثال اینها متضرر میشوند؟ اینها همه در مقابل انقلاب صف کشیده‌اند.

تا الان هم این صف‌کشی ادامه دارد. ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

 بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز

 دشمن درونی، دشمن بیرونی

 جستار

 لینک ثابت

دشمن درونی، دشمن بیرونی

ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

 بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

 دشمن درونی، دشمن بیرونی

 جمله‌های برگزیده

 لینک ثابت

دشمن درونی، دشمن بیرونی

دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند - به اصطلاح سکولارها - اینها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ می‌گویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحرکات و نشاط‌های مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفت‌ها هم در طیف وسیعی انجام می‌گیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارصه‌های جدی کردن. مترفین بین‌المللی - یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند و برای این کار دارند حداکثر تلاش علمی و عملی را می‌کنند - اینها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمن‌ها لزوماً دشمنی نمی‌کنند؛ بعضی از آنها دشمن‌اند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان می‌شوند و گلاویز می‌شوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.

دسته‌ی دوم دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بگشدد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌پی و سلول عاصی‌پی است که سرطان درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بگشدد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ اینها آفت‌هایش

است. ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

 بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

 دشمن درونی، دشمن بیرونی

 جستار

 لینک ثابت

دشمن درونی، دشمن بیرونی

این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه اسفالت‌هی بیمان نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود- نه به شخص خود و نه به ملت خود- اینها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل میشود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروب‌ها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمیتوانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افتتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بیاعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سال‌های قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلاک عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، این ملت پیشرفت‌ش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردم‌ش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موربانه‌ای که در درون پاهی بنا بیفتد، بنا را ویران میکند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد میکند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک میکند. بحمد الله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمن‌ها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمیتواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گویم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم میکند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی میکنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی میکنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمنی یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی امریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روش‌ها تغییر میکند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عبث؛ فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادیشان، نه تهدید نظامیشان، نه فشار سیاسیشان، نه جنگ روانیشان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی‌تر هستیم؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت‌های مسلمان و ملت‌های منطقه- ملت‌های آسیا، ملت‌های آفریقا، ملت‌های امریکا لاتین، ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه- یک ملت شجاع، مدافع حق و عدالت، و ایستاده‌ی در مقابل زورگوییه‌است؛ ملت ایران را این‌طور شناخته‌اند. آنها ملت ایران را تحسین و ستایش میکنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که اینقدر مورد ستایش ملت‌هاست، از نظر قدرتهای زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی است، متهم به حمایت از تروریسم است! این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت‌ها و خواسته‌ی قدرتها. این تناقض، تهدیدکننده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی است. روز به روز اینها دارند از ملت‌ها دور میشوند؛ این یک رخنه‌ی فرسایشی را در بنای لیبرال دموکراسی غرب به وجود

لزوم تحقیق شعائر اسلامی در رفتار و عمل و پرهیز از تظاهر

دسته‌ی دوم [دشمنان دولت اسلامی] دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بکشد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به‌وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌یی و سلول عاصی‌یی است که سرطان درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بکشد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ اینها آفتهایش است.

یکی دو مورد از این آفتها را بگویم. اولی صحبت به بخشی از این آفتها اشاره کردم. غفلت کردن و از راه منحرف شدن، یکی از آفتهایش این است که ما ادبیات دینی را غلیظ کنیم؛ بدون این‌که مابازایی در عمل داشته باشد. این ما را، هم به ریاکاری می‌کشاند و هم ریاکاری را در بین مردم تشویق می‌کند. این‌که ادبیات دینی تقویت شود، من با آن هیچ مخالفتی ندارم؛ ولی باید مابازا داشته باشد. بیش از آنچه در رفتارمان اسلامی عمل می‌کنیم، در زبان و اظهار و تظاهراتمان نخواهیم خود را جلوه دهیم. بیشتر اهمیت دادن به فرم تا به محتوا، از آن آفتهاست.

محتوا را باید اسلامی کرد. اگر می‌خواهیم حقیقتاً اسلامی شویم، باید در نحوه‌ی مدیریتمان تحول ایجاد کنیم. یکی از حرفهای خوب آقای رئیس‌جمهورمان در تبلیغات انتخاباتی - که به نظر من این حرف، عده‌ی زیادی را جذب کرد - تحول در مدیریت بود. این تحول در مدیریت را چه کسی باید انجام دهد؟ خود ما باید انجام دهیم. اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اِعمال مدیریت خودمان، جذبه‌یی که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد.

البته این‌که گفتم ادبیات دینی را غلیظ کردن بدون مابازا، یکی از آفتهاست، اشتباه نشود با کاری که بعضی‌ها گوشه و کنار دنبالش هستند که پرچم‌های اسلامی و نشانه‌های اسلامی را از بین مردم بردارند؛ نخیر، بنده این را نمی‌گویم. مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد. «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب»(۱) اصلاً بنای شعائر بر تظاهر و بر نشان دادن و بر مطرح کردن و جلو چشم نگهداشتن است. شعائر را مطلقاً نباید تضعیف کرد. بعضی‌ها به اسم این‌که ما اهل ریا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی و علامت‌های اسلامی و سیمای اسلامی و وجهه‌ی اسلامی و رفتار اسلامی و پرچم‌های اسلامی را از زندگی خودشان و زندگی مردم جمع می‌کنند؛ نخیر، بنده مطلقاً این را توصیه نمی‌کنم؛ بلکه بعکس، توصیه می‌کنم مقید باشید اینها را نگه دارید. منتها اگر بناسـت جانماز آب بکشیم، واقعاً روی آن جانماز نماز هم بخوانیم؛ والاّ انسان جانماز را آب بکشد و رویش نماز نخواند و

کنار ببندازد، فایده‌پی ندارد. ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

دشمن درونی.دشمن بیرونی، تحول

قرآن

(۱) *سوره مبارکه الحج آیه ۳۳*
ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

ترجمه:

این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

لینک ثابت

دشمن درونی.دشمن بیرونی

کشور ما و ملت بزرگ ما و بخصوص طبقه‌ی جوان ما آن روز به‌طور عام - فقط استثناء‌ها بیرون بودند - دچار غفلت بود. در میان این غافلین آدم‌های متدین و متورع هم بودند، آدم‌های بی‌دین و لایابالی هم بودند؛ کسانی هم بودند که اهل گناه نبودند، جوانهای پاک‌ی بودند؛ اما در غفلت عمومی جوانها همه همراه بودند. بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم. سعدی در گلستان - داستان دوم یا سوم باب اول - حکایت مجموعه‌ی دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که بر ایشان تاخت، خواب بود»؛ قبل از این‌که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درون خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم،

انقلاب ما را بیدار کرد. ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

غفلت نکردن از دو دشمن درونی و بیرونی

[ما دو دشمن داریم: دشمنِ اوّل در درون خود ماست. آلوده شدن به شهوات،

آورده است و روز به روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی میتواند حقایق را پنهان کند؛ همیشه که نمیتواند حقایق را پنهان کند؛ ملتها روز به روز بیدارتر میشوند. شما نگاه کنید؛ رئیس‌جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای آفریقا، به کشورهای امریکای جنوبی مسافرت میکند، ملتها برای او شعار میدهند، به نفع او تظاهرات میکنند، اظهار حمایت میکنند؛ رئیس‌جمهور امریکا هم به کشورهای امریکای جنوبی- یعنی حیاط خلوت امریکا- مسافرت میکند، ملتها پرچم امریکا را به مناسبت آمدن او آتش میزنند؛ این معنایش تزلزل پایههای لیبرال دموکراسیای است که امروز غرب و جلوتر از همه امریکا، مدعی پرچمداری آن هستند. تناقض در خواست آنها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روز به روز بیشتر میشود. دم از دموکراسی میزنند، دم از حقوق بشر میزنند، دم از امنیت جهانی میزنند، دم از مبارزه‌ی با تروریسم میزنند، اما باطن شریر آنها حکایت از جنگ‌طلبی آنها میکند؛ حکایت از پامال کردن حقوق ملتها میکند؛ حکایت از میل وافر و اشتهای سیریناپذیر آنها بر منابع انرژی جهانی میکند؛ این را ملتها میبینند. روز به روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی امریکا- که پیشقراول لیبرال دموکراسی است- در دنیا در نظر ملتها دارد کم و کمتر میشود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر میشود. ملتها میفهمند که امریکاییها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ میگویند؛ یک نمونه‌ی آن، رفتار آنها با کشور خود ماست. ایران در زمان طاغوت- زمان رژیم پهلوی- یکسره در مشـت امریکاییها بود؛ امریکاییها بر سراسر ایران مسلط بودند؛ پایگاه نظامی در ایران به وجود میآوردند، برای تسلط بر تحرک کشورهای عرب منطقه؛ میخواستند اینها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران همپیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتورپـهـا بر این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه میکردند؛ در سرتاسر کشور- در همین شهر مشهد، در تهران و در همهی شهرهای کشور- اختناق و شدت عمل مأموران جلاـد رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت ما را تاراج میکردند؛ اموال عمومی و ثروتهای ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج میدادند؛ ملت ایران را از حضور در مسابقهی علمی و صنعتی دنیا مانع میشدند؛ ملت را تحقیر میکردند. آن ایران، متحد درجه‌ی یک امریکا در این منطقه بود؛ زمامدارانش هم محبوب امریکا بودند؛ هیچ اعتراضی هم به نقض حقوق بشر و نقض دموکراسی بر آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردمسالاری واضح- که مردمسالاری ما در دنیا بسیار کم‌نظیر است- با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر امریکاییها، از نظر دولت امریکا و سیاستمداران امریکا یک کشور نامطلوب به حساب میآید؛ این نشاندهنده‌ی جهنگیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته امریکاییها از این دشمنی سودی نبردهاند و بازهم نخواهند برد. ملت ایران روز به روز قویتر میشود و ارزشهای انقلاب روز به روز برجسته‌تر و تازهرتـر میشود. ۱۳۸۴/۰۱/۰۱

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

دشمن. یارگیری دشمن. دشمن درونی.دشمن بیرونی، امیدوار کردن دشمن

بلاشک اعتماد و دلگرمی دشمن به کمک عناصر داخلی است. ۱۳۸۴/۰۳/۰۸

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس

دشمن، یارگیری دشمن، دشمن درونی.دشمن بیرونی، امیدوار کردن دشمن

جمله‌های برگزیده

لینک ثابت

دشمن درونی.دشمن بیرونی

وقتی جامعه‌ای روحیه‌اش قوی شد، دشمن نمی‌تواند به آن زور بگوید. وقتی زورگویان دنیا بخواهند سوار فرد، جماعت و یا ملتی شوند، اوّلین اقدامشان این است که روحیه‌ی آن فرد یا ملت را بشکنند و احساس توانایی و ایستادگی‌اش را از بین ببرند. تا زمانی که احساس قدرت و توانایی و روحیه در یک ملت و جماعتی وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن فائق آید؛ نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی؛ تنبلی و بی‌عاری و بی‌کارگی. ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

دشمن درونی.دشمن بیرونی

همچنان که پیروزی انقلاب و ولادت آن با مقاومت دشمنان رویه‌رو شد، تداوم انقلاب، برپا ماندن و اثربخش شدن آن هم با دشمن و دشمنی‌ها مواجه است. دشمن هم فقط دشمن بیرونی نیست. ما دو دشمن داریم: دشمنِ اوّل در درون خود ماست. شاید این دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناکتر هم هست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب

حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، مأیوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقّق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. دوم، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقّق مقاصد خود حاضرند همه‌ی دنیا را به خاک و خون بکشند.]

بعضی ناخشنود می‌شوند از این‌که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجّه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی‌نگری است. وقتی ما می‌گوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهیهای ما در ناکامیابیهای نظام اسلامی بی‌تأثیر بوده‌است. نخیر؛ این‌طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا و اسْرِافْنَا فِی امرِنَا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «و تَبَّتْ اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین(۱)»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حدّاکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند. ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

📖 **بیانات در دیدار مردم قم**

🕊 **دشمن درونی.دشمن بیرونی، دشمن**

📖 **قرآن**

(۱) <i>سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۳۷</i> وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا <i>وَاسْرِافْنَا فِی آمِرِنَا</i> وَتَبَّتْ <i>أَقْدَامُنَا</i> وَانْصَرْنَا <i>عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ</i> ترجمه: <i>سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندیروهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!</i>

لینک ثابت

۱۳۸۰

دشمن درونی.دشمن بیرونی

بیمودن این راه، دشمن و مزاحم دارد. بزرگترین دشمن این راه عبارت است از دشمنی که در درون خود ماست و آن دشمن عبارت است از: راحت‌گرایی، غفلت‌گرایی، تبلی‌گرایی، آسان‌گرایی و تمایل به پرهیز کردن از میدانهای دشوار. این راه، جدّ و جهد و مجاهدت لازم دارد. تمایلات انحرافی انسانها - تمایل به مال دنیا، تمایل به منطقه‌های انحصاری زندگی، تمایل به شهوات گوناگون - موانع این راه است که بخصوص ما مسؤولان و برادران و خواهرانی که در بخشهای مختلف کشور مسؤولند، باید به خدای متعال پناه ببریم و مراقب باشیم و به همدیگر تذکّر دهیم. این دشمن درونی، البته خطرناکتر از دشمن بیرونی است.

این راه، دشمنان خارجی هم دارد. دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه می‌کنند، می‌بینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگو در دنیای اسلام است و آنها نمی‌خواهند این طور شود. می‌دانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مسائل ماّذی و گره‌های گوناگون را - که در هر کشوری کم و بیش وجود دارد - برطرف و باز کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آن‌گاه مسلمانها گرم و گیراتر به سمت این الگو حرکت می‌کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می‌کنند. الان چند سال است که به طور آشکار، در پیشرفت مسائل اقتصادی کشور، دشمنان ما از خارج به شیوه‌های گوناگون مانع ایجاد می‌کنند. ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

📖 **بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی**

🕊 **دشمن درونی.دشمن بیرونی**

📖 **جستار**

لینک ثابت

۱۳۸۰

دشمن درونی.دشمن بیرونی

و اما دشمن پنجم. دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود داشت. خطرناکتر از همه‌ی دشمنها هم همین است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد: تمایلات نفسانی، خودخواهیها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه‌ی آن را خود انسان فراهم می‌کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه‌ی با این دشمن، به وسیله‌ی شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچکتر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگتر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگتر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگتر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان. اگر قرآن می‌فرماید: «الَّذین فِی قُلُوبِهِم مرضٌ»، اینها منافقین نیستند؛ البته عده‌ای از منافقین هم جزو «الَّذین فِی قُلُوبِهِم مرضٌ»‌اند، اما هر کسی که «الَّذین فِی قُلُوبِهِم مرضٌ» است - یعنی در دل، بیماری دارد - جزو منافقین نیست؛ گاهی مؤمن است، اما در دلش مرض هست. این مرض یعنی چه؟ یعنی ضعفهای اخلاقی، شخصیتی، هوسرانی و میل به خودخواهیهای

دست‌بست بیرونی سبب، مأیوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. همه‌ی کسانی که در جبهه‌های عظیم مثل جبهه‌ی انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می‌کنند، اوّل در جبهه‌ی دل خود شکست می‌خورند. یا مرعوب می‌شوند یا مجذوب جلوه‌های دنیا یا آلوده به شهوات می‌گردند یا پول و مقام آنها را فریب می‌دهد و یا چهره‌ی چالپوس دشمن دچار گمراهیشان می‌کند. انسان اوّل در دل خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود.

دوم، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقّق مقاصد خود حاضرند همه‌ی دنیا را به خاک و خون بکشند و جنگهای خونین راه بیندازند، برای این‌که به منافع خود دست پیدا کنند.امروز تهدیدهای امریکا علیه عراق، دیروز علیه افغانستان، در طول این سالیان علیه مردم فلسطین و مردم لبنان را نگاه کنید! عربده‌کشیهای مستکبران عالم را ببینید! اینها جلوه‌های همان دشمن بیرونی است.

در هرجای دنیا که ملتی بیدار شود، حکومتی خودآگاهی پیدا کند، مردمی به فکر تأمین منافع خود و قطع دست زورگویان باشد، دستگاه مرکزي قدرت‌طلب جهانی - که مجموعه‌ای از همین سرمایه‌داران بزرگ و صهیونیستها هستند - مشغول می‌شود تا آن مرکز، آن کانون و آن حرکت را از سر راه خود دور کند. خیلی اوقات موقّق می‌شوند، در مواردی هم موقّق نمی‌شوند؛ کمااین‌که در مورد ملت ایران و انقلاب اسلامی، با اراده و ایمان مردم و با الگوهای ماندگاری که ملت ما از جوانان مبارز و پارسای خود نشان داد، موقّق نشدند و تا امروز شکست خورده‌اند. بعضی ناخشنود می‌شوند از این‌که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجّه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی‌نگری است. وقتی ما می‌گوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهی‌های ما در ناکامیابی‌های نظام اسلامی بی‌تأثیر بوده‌است. نخیر؛ این‌طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا و اسْرِافْنَا فِی امرِنَا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «و تَبَّتْ اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حدّاکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند.

در داخل کشور ممکن است خیلی از چیزها به‌طور طبیعی زمینه داشته باشد. فرض کنید فساد و رواج فساد در بخشهایی - چه بخشهای دولتی و چه بخشهای غیردولتی - یا آلودگیهای شهوانی در بین بعضی از مردم یا بخشهایی از جوانان ممکن است وجود داشته باشد - زمینه‌های طبیعی هم دارد - اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمین‌گیر کند، همین عوامل ابزاری در دست دشمن می‌شود و آنها را تشدید می‌کند. امروز شما وقتی سرنخ بسیاری از قضایای داخل کشور و مشکلات را دنبال کنید، به سرانگشت بیگانه می‌رسید؛ به دستهای مزدور دشمنان و به تدبیر دستگاههایی که همه‌ی نیروی خودشان را علیه نظام اسلامی تجهیز کرده و می‌کنند. انقلاب به فضل الهی و به نیروی این ملت در سال پنجاه‌وهفت پیروز شد. جبهه‌ی مقابل انقلاب و اسلام که وایسته به همان دشمنان بیرونی بود، سرشکسته و مأیوس شد و عقب نشست؛ اما آیا از معارضة و دشمنی کردن و از انتقام کشیدن از انقلاب و ملت ایران منصرف شد؟ ایداً. دشمن در یک رویارویی ممکن است شکست بخورد و عقب‌نشینی کند؛ اما کمین خواهد گرفت، مواظبت خواهد کرد و حوادث را رصد خواهد نمود تا در یک فرصت مناسب حمله کند و انتقام بگیرد. جوانان غیور و مؤمن این مرز و بوم از هر قشری، از روحانی و دانشجو و کاسب و کارگر و کشاورز همه باید متوجّه باشند. همه‌ی آنهایی که دلبسته‌ی دین و شرف خود و عزّت ملی و استقلال کشور هستند، باید مراقب و مواظب باشند. دشمن ممکن است در یک برهه شکست خورده باشد و خورد. دشمن در مراحل متعدّد شکست مفتضحانه‌ای هم خورد؛ اما این دشمن کمین می‌گیرد، از غفلتها استفاده می‌برد و حمله می‌کند. حمله‌ی دشمن هم همیشه نظامی نیست. دشمن ممکن است حمله‌ی فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و حمله‌ی امنیتی کند یا در دستگاههای حسّاس نفوذ نماید. لذا ملت باید همیشه هشیار باشد. مسؤولان به‌طور مضاعف بایستی هشیار باشند. بخصوص که امید دشمنان اسلام و این انقلاب به این بوده و به این است که مردم را از نظام اسلامی مأیوس کنند و این‌طور قلمداد نمایند که نظام اسلامی نمی‌تواند. در حالی‌که نظام اسلامی بهتر از همه‌ی نظامها می‌تواند مشکلات و گره‌ها را برطرف کند. نظام اسلامی بود که به این ملت که در طول قرنهای متمادی همواره زیر پنجه‌ی نظامهای استبدادی دست و پا می‌زد، آزادی داد بدون این‌که این آزادی حقوق عمومی و آسایش عمومی را از بین ببرد و پایمال کند. ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

📖 **بیانات در دیدار مردم قم**

🕊 **دشمن درونی.دشمن بیرونی**

📖 **جستار**

لینک ثابت

۱۳۷۹

مردم، آزادی، دشمن شناسی، دشمن درونی.دشمن بیرونی. سوء استفاده از مفاهیم شریف، سوءاستفاده‌ی دشمنان

عده‌ای می‌خواهند با آشنا نبودن ما با فرهنگ آزادی، هرج‌ومرج به وجود آورند تا مردم، تشنه‌ی يك استبداد قدرتمند شوند. ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

📖 **بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر**

گوناگون؛ که اگر جلویِش را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تو را از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تو بی‌ایمان و ظاهر تو باایمان است؛ آن وقت اسم چنین کسی منافق است. اگر خدای نکرده دل من و شما از ایمان تهی شد، در حالی که ظاهرمان، ظاهر ایمانی است؛ پابندِیها و دلبستگیهای اعتقادی و ایمانی را از دست دادیم، اما زبان ما همچنان همان حرفهای ایمانی را می‌زند که قبلاً می‌زد؛ این می‌شود نفاق؛ این هم خطرناک است. قرآن می‌فرماید: «تَمَّ كَان عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَآنُوا السَّوْأَى ان كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ آن کسانی که کار بد کردند، بدترین نصیبشان خواهد شد. آن بدترین چیست؟ تکذیب آیات الهی. در جای دیگر می‌فرماید: آن کسانی که به این وظیفه‌ی بزرگ - انفاق در راه خدا - عمل نکردند، «فَاعْقِبْهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِم الِی یَوْم یَلْقَوْنَهُ بِمَا اخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»؛ چون با خدا خلف وعده کردند، در دلشان نفاق به وجود آمد. خطر بزرگ برای جامعه‌ی اسلامی این است؛ هر جا هم که شما در تاریخ می‌بینید جامعه‌ی اسلامی منحرف شده، از این‌جا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی‌تواند نابود کند بالاخره ایمان می‌ماند و در جایی سر بلند می‌کند و سبز می‌شود. اما آن‌جایی که این لشکرِ دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشأش این است. پیغمبر با این دشمن هم مبارزه کرد. ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۹

دشمن درونی.دشمن بیرونی

از طرف سوم، دشمن خارجی است. دشمن خارجی نقشش این است که از این امکانات معارضه‌ی با نظام در داخل استفاده کند و آنها را تشدید نماید. بنده گاهی که در صحبتها بعضی کسان را به توطئه‌های دشمن تَبِّه می‌دهم، افرادی می‌گویند: آقا! شما چرا به دشمن خارجی می‌پردازید؟ چرا به مسائل خودمان، به کمبودهای خودمان اشاره نمی‌کنید؟ حرف باید روشن بشود. اگر دشمن خارجی در مقابل خود کمبودها را، ضعفها را، زمینه‌ها را مشاهده نکند، نمی‌تواند تسلّط پیدا کند. این‌که چیز بدیهی و روشنی است؛ بارها هم گفته‌ایم. اصلاً کامیابی دشمن از بیرون در آن صورتی است که در درون صفوف داخل نظام - داخل کشور و داخل جامعه - نقاط ضعف و نقاط خلأ وجود داشته باشد. در این‌که شگّی نیست. اما دشمن خارجی را نمی‌شود منکر شد. دشمن خارجی می‌آید از همین ضعفها حداکثر استفاده را می‌کند. هیچ انسانی را، هیچ جامعه‌ای را و بیش از همه هیچ مسؤولی را کسی مدح نخواهد کرد که دشمن را نبیند؛ تلاش دشمن را نفهمد؛ سوء استفاده‌ی دشمن را از ضعفهای خودی بجا نیاورد. آری؛ دشمن خارجی یک حقیقت است؛ منتها دشمن خارجی می‌آید از ضعفهای ما استفاده می‌کند. نظام اسلامی اگر در درون توانسته باشد این ضعفها را برطرف کند، یقیناً دشمن خارجی ناکام خواهد ماند؛ اما وقتی که دشمن خارجی حمله می‌کند، وظیفه‌ی فوری و فوری، مواجهه‌ی با اوست. فرض بفرمایید وقتی دشمن به مرزها حمله می‌کند - در تشبیه به این دشمنی جنگ نظامی - وظیفه اوّل این است که همه بروند جلو او را بگیرند. ما بیایم بحث کنیم که «علت این‌که دشمن این جنگ را شروع کرد، چه بود؟ ممکن است فلان رفتاری که ما کردیم، فلان پرخاشی که ما کردیم، فلان عمل خلافی که ما کردیم، موجب این شده است»؛ جای این بحثها نیست. هرچه علت بوده است، هر ضعفی وجود داشته است، الان باید رفت جلوی دشمن را گرفت؛ بعد البته بپردازید علتها را هم برطرف کنید. ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۹

دشمن درونی.دشمن بیرونی

تهدیدیهایی که متوجّه آینده‌ی درخشان ماست، دو نوع است: تهدیدهای خارجی؛ تهدیدهای داخلی. من ابتدا این یک کلمه را بگویم که اگر از داخل، این ملت دشمن نداشته باشد؛ عامل نفوذی نداشته باشد و دو چهرگان در مسائل کشور تخریب نکنند؛ دشمن خارجی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. البته توجّه کنید که بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست. من می‌گویم هر چیزی که به سلامت و ایمان و عزم و نشاط لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوّق بگذارد، تهدید است. ولنگاری تهدید است؛ بی‌بندوباری تهدید است؛ مواد مخدّر تهدید است؛ بی‌اهمیتی به علم و درس و کار تهدید است؛ سرگرم شدن به مناقشات اجتماعی بیهوده تهدید است؛ درگیریهای داخلی تهدید است؛ بی‌اعتمادی به نظام و مسؤولان تهدید است؛ البته غفلت مسؤولان هم تهدید است؛ برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است. یک ملت بیدار، یک ملت آگاه، یک ملت زنده، یک ملت جوان، یک ملت انقلابی مثل ملت ما، باید همه‌ی این تهدیدها را از سر راه خود بردارد. ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

بیانات در دیدار با جوانان در مصّلا‌ی بزرگ تهران

مردم، آزادی، دشمن شناسی، دشمن درونی.دشمن بیرونی، سوء استفاده از

مفاهیم شریف، سوءاستفاده‌ی دشمنان

جمله‌های برگزیده

لینک ثابت

۱۳۷۹

دشمن درونی.دشمن بیرونی

همه‌ی کسانی را که اسم آوردیم، معنایش این نیست که اینها با نظام اسلامی معارضه دارند؛ نه. ممکن است معارضه‌ای هم نباشد؛ اما نظام اسلامی نمی‌تواند اینها را نبیند؛ نمی‌تواند حضور اینها را، فکر اینها را، تلاش اینها را، اهداف و نیتها و انگیزه‌های اینها را که در کنار آن، در مقابل آن، در میان آن حضور دارند، ندیده بگیرد. حکمت و تدبیر برای نظام اسلامی این است که اینها را ببیند؛ اینها را بشناسد و اینها را علاج کند. علاج، معنایش استفاده‌ی از زور و قدرت نیست. تصوّر نشود که هر جا گفته می‌شود باید این فکر را یا این کار را علاج کرد، یعنی به زور متوسّل شد؛ نه. زور مال کسانی است که منطق ندارند. مجموعه‌ای که منطق دارد، با حربه‌ی استدلال و منطق کاری می‌کند که هیچ حربه‌ی دیگری و هیچ قدرت مادّی‌ای نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. بنابراین نیاز به زور نیست.

پنجه‌افکندِی این صفوف گوناگون، و این‌که هر کسی بخواهد در نظام اسلامی پنجه بیفکند، چه زمینه‌هایی در درون خود نظام اسلامی، مسؤولان نظام، سرمداران نظام، مؤثران نظام و مردم دارد؟ من چند نمونه‌اش را این‌جا یادداشت کرده‌ام:

یکی از زمینه‌ها، تحجّر است. نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحوّل فکر انسانها را ندیده گرفتن، تعالی و ترقّی فکر و اندیشه و راههای زندگی را انکار کردن. این تحجّر است. هر دانشی را که شما نگاه کنید، تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تحجّر است. اگر قرار بود ایستایی، پافشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد؛ فقه ما هم از هزار سال پیش تا به‌حال این همه تحوّلات و پیشرفتها را پیدا نمی‌کرد. در همه‌ی امور زندگی این‌طور است. تحجّر، یکی از بزرگترین آفات است.

در کنار تحجّر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی‌بندوباری، چه در فکر - یعنی این‌که انسان هر آنچه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می‌شود، بدون ارزیابی، بدون نقّادی و بدون فهم درست با آن مواجه شود و با زرق و برق، این متاع بسیار حسّاس را برای خود تهیه کند - و چه در عمل؛ یعنی نقطه‌ی مقابل تقوا. تقوا، همان صدّ ولنگاری است. تقوا، یعنی دقّت و مراقبت و مواظبت از این‌که هیچ عملی - چه گفتار، چه کردار، عمل جوارح، حتی عمل جوانح - بدون رعایت موازین انجام نگیرد. این تقواست. نقطه‌ی مقابلیش همین ولنگاری و بی‌بندوباری است. اگر در زمینه‌ی فکر و اندیشه، در زمینه‌ی علوم و در هر زمینه‌ای این ولنگاری باشد، واویلاست! هر جا این روحیه بی‌بندوباری و ولنگاری وارد شد - که به دنبال آن، سهل‌انگاری در قبول، سهل‌انگاری در عمل، سهل‌انگاری در فهم خواهد بود - آن کسانی که دچار این آفت شوند، وضع و روز خوبی نخواهند داشت.

تقلید کورکورانه‌ی از غرب بخصوص، این هم یکی از آفتهاست. چون تمدّن غربی از لحاظ علمی پیشرفت داشته است و زرق و برقی دارد، از او کورکورانه تقلید کنند و هر چیزی از آن‌جا آمد، بپذیرند؛ چه فلسفه، چه اخلاق، چه حرفهای گوناگون.

از جمله‌ی آفتها، طعمه‌جویی است. این آفت بزرگی است. مسند را، مسؤولیت را، مقام اجتماعی را و حتی علم را به عنوان طعمه نگاه کند، برای این‌که بتواند به نان و نوایی برسد. این آفت است. فرصت‌طلبی، راحت‌طلبی و خوی شرارت، از این قبیل است. اینها آفتهایی است که وجود دارد. این زمینه‌هاست؛ زمینه‌های درونی، اخلاقی، رفتاری خود ماهاست؛ آن صف‌بندیهای طبیعی است که در مقابل نظام اسلامی هست. ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۸۷

دشمن درونی.دشمن بیرونی

آن‌وقت عوامل بیرونی است، که دیگر الی ماشاءالله وجود داشته است؛ همه‌ی کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدفهای انقلاب متضرر میشدند، اینها جلوی انقلاب ایستادند. از امنیت یک عده‌ای متضرر میشوند، از عدالت یک عده‌ای متضرر میشوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عده‌ای متضرر میشوند، از نفی سلطه‌ی بیگانه یک جماعتی متضرر میشوند، از نفی استبداد یک عده‌ای متضرر میشوند. اینها را شما میدانید؛ توضیح لازم ندارد. کی‌ها از عدالت یا از استقلال یا از آزادی و امثال اینها متضرر میشوند؟ اینها همه در مقابل انقلاب صف کشیده‌اند.

تا الان هم این صف‌کشی ادامه دارد. ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

بیانات در دیدار با جوانان در مصّلا‌ی بزرگ تهران



دشمن درونی.دشمن بیرونی

این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه اسفالت‌هی بیمای نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چيست؟ دشمن درونی چيست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود- نه به شخص خود و نه به ملت خود- اینها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل میشود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبیها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمیتوانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بیاعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سال‌های قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلای عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماریها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موربان‌های که در درون پایهی بنا بیفتد، بنا را ویران میکند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد میکند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک میکند. بحمد الله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمیتواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم میکند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی میکنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی میکنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمنی یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر میکند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانست‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عیب؛ فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادیشان، نه تهدید نظامیشان، نه فشار سیاسیشان، نه جنگ روانیشان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قویتر هستیم؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت‌های مسلمان و ملت‌های منطقه- ملت‌های آسیا، ملت‌های آفریقا، ملت‌های امریکای لاتین، ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه- یک ملت شجاع، مدافع حق و عدالت، و ایستاده‌ی در مقابل زورگوییهاست؛ ملت ایران را اینطور شناخته‌اند. آنها ملت ایران را تحسین و ستایش میکنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که اینقدر مورد ستایش ملت‌هاست، از نظر قدرتهای زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی است، متهم به حمایت از تروریسم است! این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت‌ها و خواسته‌ی قدرتها. این تناقض، تهدیدکننده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی است. روز به روز اینها دارند از ملت‌ها دور میشوند؛ این یک رخنه‌ی فرسایشی را در بنای لیبرال دموکراسی غرب به وجود آورده است و روز به روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی میتواند حقایق را پنهان کند؛ همیشه که نمیتوانند حقایق را پنهان کنند؛ ملت‌ها روز به روز بیدارتر میشوند. شما نگاه کنید؛ رئیس‌جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای آفریقا، به کشورهای امریکای جنوبی مسافرت میکند، ملت‌ها برای او شعار میدهند، به نفع او تظاهرات میکنند، اظهار حمایت میکنند؛ رئیس‌جمهور امریکا هم به کشورهای امریکای جنوبی- یعنی حیاط خلوت امریکا- مسافرت میکند، ملت‌ها پرچم امریکا را به مناسبت آمدن او آتش می‌زنند؛ این معنایش تزلزل پایه‌های لیبرال دموکراسیای است که امروز غرب و جلوتر از همه امریکا، مدعی پرچمداری آن هستند. تناقض در خواست آنها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روز به روز بیشتر میشود. دم از دموکراسی می‌زنند، دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از امنیت جهانی می‌زنند، دم از مبارزه‌ی با تروریسم می‌زنند، اما باطن شریر آنها حکایت از جنگ‌طلبی آنها میکند؛ حکایت از پامال کردن حقوق ملت‌ها میکند؛ حکایت از میل وافر و اشت‌های سیریناپذیر آنها بر منابع انرژی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چيست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جمله‌های برگزیده

دشمن درونی.دشمن بیرونی

دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند - به اصطلاح سکولارها - اینها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ می‌گویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحرکات و نشاط‌های مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفت‌ها هم در طیف وسیعی انجام می‌گیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضة‌های جدی کردن. مترفین بین‌المللی - یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند و برای این کار دارند حداکثر تلاش علمی و عملی را می‌کنند - اینها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمن‌ها لزوماً دشمنی نمی‌کنند؛ بعضی از آنها دشمن‌اند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان می‌شوند و گلاویز می‌شوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.

دسته‌ی دوم دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بگشدد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به‌وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌بی و سلول عاصی‌بی است که سرطان درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بگشدد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ اینها آفت‌هایش است. ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لزوم تحقیق شعائر اسلامی در رفتار و عمل و پرهیز از تظاهر

دسته‌ی دوم [دشمنان دولت اسلامی] دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بگشدد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به‌وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌بی و سلول عاصی‌بی است که سرطان درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بگشدد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ اینها آفت‌هایش است.

یکی دو مورد از این آفت‌ها را بگویم. اول صحبت به بخشی از این آفت‌ها اشاره کردم. غفلت کردن و از راه منحرف شدن، یکی از آفت‌هایش این است که ما ادبیات دینی را غلیظ کنیم؛ بدون این‌که مابازایی در عمل داشته باشد. این ما را، هم به ریاکاری می‌کشاند و هم ریاکاری را در بین مردم تشویق می‌کند. این‌که ادبیات دینی تقویت شود، من با آن هیچ مخالفتی ندارم؛ ولی باید مابازا داشته باشد. بیش از آنچه در رفتارمان اسلامی عمل می‌کنیم، در زبان و اظهار و تظاهراتمان نخواهیم خود را جلوه دهیم. بیشتر اهمیت دادن به فرم تا به محتوا، از آن آفت‌هاست.

محتوا را باید اسلامی کرد. اگر می‌خواهیم حقیقتاً اسلامی شویم، باید در نحوه‌ی مدیریتمان تحول ایجاد کنیم. یکی از حرف‌های خوب آقای رئیس‌جمهورمان در تبلیغات انتخاباتی - که به نظر من این حرف، عده‌ی زیادی را جذب کرد - تحول در مدیریت بود. این تحول در مدیریت را چه کسی باید انجام دهد؟ خود ما باید انجام دهیم. اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اعمال مدیریت خودمان، جذبه‌بی که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد.

البته این‌که گفتم ادبیات دینی را غلیظ کردن بدون مابازا، یکی از آفت‌هاست،

جهانی میکند؛ این را ملتها میبینند. روز به روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی امریکا- که پیشقراول لیبرال دموکراسی است- در دنیا در نظر ملتها دارد کم و کمتر میشود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر میشود. ملتها میفهمند که امریکاییها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ میگویند؛ یک نمونهی آن، رفتار آنها با کشور خود ماست. ایران در زمان طاغوت- زمان رژیم پهلوی- یکسره در مشیت امریکاییها بود؛ امریکاییها بر سراسر ایران مسلط بودند؛ پایگاه نظامی در ایران به وجود میآوردند، برای تسلط بر تحرک کشورهای عرب منطقه؛ میخواستند اینها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران همپیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتوریها بر این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه میکردند؛ در سرتاسر کشور- در همین شهر مشهد، در تهران و در همهی شهرهای کشور- اختناق و شدت عمل مأموران جلاد رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت ما را تاراج میکردند؛ اموال عمومی و ثروتهای ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج میدادند؛ ملت ایران را از حضور در مسابقهی علمی و صنعتی دنیا مانع میشدند؛ ملت را تحقیر میکردند. آن ایران، متحد درجهی یک امریکا در این منطقه بود؛ زمامدارانش هم محبوب امریکا بودند؛ هیچ اعتراضی هم به نقض حقوق بشر و نقض دموکراسی بر آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردمسالاری واضح- که مردمسالاری ما در دنیا بسیار کم نظیر است- با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر امریکاییها، از نظر دولت امریکا و سیاستمداران امریکا یک کشور نامطلوب به حساب میآید؛ این نشاندهندی جهتگیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته امریکاییها از این دشمنی سودی نبردهاند و بازهم نخواهند برد. ملت ایران روز به روز قویتر میشود و ارزشهای انقلاب روز به روز برجستهتر و تازہتر میشود. ۱۳۸۴/۰۱/۰۱

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۸۳

دشمن درونی.دشمن بیرونی

کشور ما و ملت بزرگ ما و بخصوص طبقه‌ی جوان ما آن روز به‌طور عام - فقط استثناءها بیرون بودند - دچار غفلت بود. در میان این غافلین آدمهای متدین و متورع هم بودند، آدمهای بی‌دین و لایابالی هم بودند؛ کسانی هم بودند که اهل گناه نبودند، جوانهای پاکی بودند؛ اما در غفلت عمومی جوانها همه همراه بودند. بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم. سعدی در گلستان - داستان دوم یا سوم باب اول - حکایت مجموعه‌ی دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که بر ایشان تاخت، خواب بود»؛ قبل از این‌که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درون خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم، انقلاب ما را بیدار کرد. ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۸۱

دشمن درونی.دشمن بیرونی

همچنان که پیروزی انقلاب و ولادت آن با مقاومت دشمنان روبه‌رو شد، تداوم انقلاب، برپا ماندن و اثربخش شدن آن هم با دشمن و دشمنی‌ها مواجه است. دشمن هم فقط دشمن بیرونی نیست. ما دو دشمن داریم: دشمنِ اوّل در درون خود ماست. شاید این دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناکتر هم هست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، مأیوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقّق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. همه‌ی کسانی که در جبهه‌های عظیم مثل جبهه‌ی انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می‌کنند، اوّل در جبهه‌ی دلی خود شکست می‌خورند. یا مرعوب می‌شوند یا مجذوب جلوه‌های دنیا یا آلوده به شهوات می‌گردند یا پول و مقام آنها را فریب می‌دهد و یا چهره‌ی چاپلوس دشمن دچار گمراهیشان می‌کند. انسان اوّل در دلی خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود.

دوم، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقّق مقاصد خود حاضرند همه‌ی دنیا را به خاک و خون بکشند و جنگهای خونین راه بیندازند، برای این‌که به منافع خود دست پیدا کنند.امروز تهدیدهای امریکا علیه عراق، دیروز علیه افغانستان، در طول این سالیان علیه مردم فلسطین و مردم لبنان را نگاه کنید! عریده‌کشیهای مستکبران عالم را ببینید! اینها جلوه‌های همان دشمن بیرونی است.

در هرجای دنیا که ملتی بیدار شود، حکومتی خودآگاهی پیدا کند، مردمی به فکر تأمین منافع خود و قطع دست زورگویان باشد، دستگاه مرکزی قدرت‌طلب جهانی - که مجموعه‌ای از همین سرمایه‌داران بزرگ و صهیونیستها هستند - مشغول می‌شود تا آن مرکز، آن کانون و آن حرکت را از سیر راه خود دور کند. خیلی اوقات موقّ می‌شوند، در مواردی هم موقّ نمی‌شوند؛ کمااین‌که در مورد ملت ایران و انقلاب اسلامی، با اراده و ایمان مردم و با الگوهای ماندگاری

اشتباه نشود با کاری که بعضی‌ها گوشه و کنار دنبالش هستند که پرچم‌های اسلامی و نشانه‌های اسلامی را از بین مردم بردارند؛ نخیر، بنده این را نمی‌گویم. مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد. «و من یعظم شعائر الله فانّها من تقوی القلوب»(۱) اصلاً بنای شعائر بر تظاهر و بر نشان دادن و بر مطرح کردن و جلو چشم نگهداشتن است. شعائر را مطلقاً نباید تضعیف کرد. بعضی‌ها به اسم این‌که ما اهل ربا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی و علامتهای اسلامی و سیمای اسلامی و وجهه‌ی اسلامی و رفتار اسلامی و پرچمهای اسلامی را از زندگی خودشان و زندگی مردم جمع می‌کنند؛ نخیر، بنده مطلقاً این را توصیه نمی‌کنم؛ بلکه بعکس، توصیه می‌کنم مقید باشید اینها را نگه دارید. منتها اگر بناست جانماز آب بکشیم، واقعاً روی آن جانماز نماز هم بخوانیم؛ والاّ انسان جانماز را آب بکشد و رویش نماز نخواند و

کنار بیندازد، فایده‌بی ندارد. ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

دشمن درونی.دشمن بیرونی، تحول

قرآن

(۱) *سوره مبارکه الحج آیه ۳۳*

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

ترجمه:

این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

لینک ثابت

۱۳۸۴

دشمن. یارگیری دشمن. دشمن درونی.دشمن بیرونی.امیدوار کردن دشمن

بلاشک اعتماد و دلگرمی دشمن به کمک عناصر داخلی است. ۱۳۸۴/۰۳/۰۸

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس

دشمن، یارگیری دشمن، دشمن درونی.دشمن بیرونی، امیدوار کردن دشمن

جمله‌های برگزیده

لینک ثابت

۱۳۸۲

دشمن درونی.دشمن بیرونی

وقتی جامعه‌ای روحیه‌اش قوی شد، دشمن نمی‌تواند به آن زور بگوید. وقتی زورگویان دنیا بخواهند سوار فرد، جماعت و یا ملتی شوند، اوّلین اقدامشان این است که روحیه‌ی آن فرد یا ملت را بشکنند و احساس توانایی و ایستادگی‌اش را از بین ببرند. تا زمانی که احساس قدرت و توانایی و روحیه در یک ملت و جماعتی وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن فائق آید؛ نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی؛ تبیلی و بی‌عاری و بی‌کارگی. ۱۳۸۲/۰۸/۰۶

بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۸۱

غفلت نکردن از دو دشمن درونی و بیرونی

[ما دو دشمن داریم: دشمنِ اوّل در درون خود ماست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، مأیوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقّق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. دوم، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقّق مقاصد خود حاضرند همه‌ی دنیا را به خاک و خون بکشند.]

بعضی ناخشنود می‌شوند از این‌که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجّه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی‌نگری است. وقتی ما می‌گوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهیهای ما در ناکامیابیهای نظام اسلامی بی‌تأثیر بوده‌است. نخیر؛ این‌طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا و اسْرِافَنَا فی امرنا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «و تَبَتْ اِقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین(۱)»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حدّاکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند. ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

بیانات در دیدار مردم قم

دشمن درونی.دشمن بیرونی، دشمن

قرآن

(۱) *سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۳۷*

مَّا كَانَتْ قَوْمُهُمُ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبُّنَاَ لَعَنَ آلَ دُحَيْنًا فَلَسَ اِقْوَانَا فِهِ . اَلَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ اَقْوَانًا

که ملت ما از جوانان مبارز و پارسای خود نشان داد، موّق نشدند و تا امروز شکست خورده‌اند. بعضی ناخشنود می‌شوند از این‌که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجّه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی‌نگری است. وقتی ما می‌گوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهی‌های ما در ناکامیابی‌های نظام اسلامی بی‌تأثیر بوده‌است. نخیر؛ این‌طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اسْرَأْنَا فِیْ اَمْرِنَا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «و تَبَّتْ اَقْدَامُنَا وَ انصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حدّاکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند.

در داخل کشور ممکن است خیلی از چیزها به‌طور طبیعی زمینه داشته باشد. فرض کنید فساد و رواج فساد در بخشهایی - چه بخشهای دولتی و چه بخشهای غیردولتی - یا آلودگیهای شهوانی در بین بعضی از مردم یا بخشهایی از جوانان ممکن است وجود داشته باشد - زمینه‌های طبیعی هم دارد - اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمین‌گیر کند، همین عوامل اِبرازی در دست دشمن می‌شود و آنها را تشدید می‌کند. امروز شما وقتی سرخ بسیاری از قضایای داخل کشور و مشکلات را دنبال کنید، به سرانگشت بیگانه می‌رسید؛ به دستهای مزدور دشمنان و به تدبیر دستگاههایی که همه‌ی نیروی خودشان را علیه نظام اسلامی تجهیز کرده و می‌کنند. انقلاب به فضل الهی و به نیروی این ملت در سال پنجاه‌وهفت پیروز شد. جبهه‌ی مقابل انقلاب و اسلام که وابسته به همان دشمنان بیرونی بود، سرشکسته و مأیوس شد و عقب نشست؛ اما آیا از معارضة و دشمنی کردن و از انتقام کشیدن از انقلاب و ملت ایران منصرف شد؟ اِبدًا. دشمن در یک رویارویی ممکن است شکست بخورد و عقب‌نشینی کند؛ اما کمین خواهد گرفت، مواظبت خواهد کرد و حوادث را رصد خواهد نمود تا در یک فرصت مناسب حمله کند و انتقام بگیرد. جوانان غیور و مؤمنِ این مرز و بوم از هر قشری، از روحانی و دانشجو و کاسب و کارگر و کشاورز همه باید متوجّه باشند. همه‌ی آنهاپی که دلیسته‌ی دین و شرف خود و عَرّت ملی و استقلال کشور هستند، باید مراقب و مواظب باشند. دشمن ممکن است در یک برهه شکست خورده باشد و خورد. دشمن در مراحل متعدّد شکست مفتضحانه‌ای هم خورد؛ اما این دشمن کمین می‌گیرد، از غفلتها استفاده می‌برد و حمله می‌کند. حمله‌ی دشمن هم همیشه نظامی نیست. دشمن ممکن است حمله‌ی فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و حمله‌ی امنیتی کند یا در دستگاههای حسّاس نفوذ نماید. لذا ملت باید همیشه هشیار باشد. مسؤولان به‌طور مضاعف بایستی هشیار باشند. بخصوص که امید دشمنان اسلام و این انقلاب به این بوده و به این است که مردم را از نظام اسلامی مأیوس کنند و این‌طور قلمداد نمایند که نظام اسلامی نمی‌تواند. در حالی‌که نظام اسلامی بهتر از همه‌ی نظامها می‌تواند مشکلات و گره‌ها را برطرف کند. نظام اسلامی بود که به این ملت که در طول فرنهای متمادی همواره زیر پنجه‌ی نظامهای استبدادی دست و پا می‌زد، آزادی داد بدون این‌که این آزادی حقوق عمومی و آسایش عمومی را از بین ببرد و پایمال کند. ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

بیانات در دیدار مردم قم

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۹

مردم، آزادی، دشمن شناسی، دشمن درونی،دشمن بیرونی، سوء استفاده از مفاهیم شریف، سوءاستفاده‌ی دشمنان

عهده‌ای می‌خواهند با آشنا نبودن ما با فرهنگ آزادی، هرچ‌ومرج به وجود آورند تا مردم، تشنه‌ی يك استبداد قدرتمند شوند. ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مردم، آزادی، دشمن شناسی، دشمن درونی،دشمن بیرونی، سوء استفاده از مفاهیم شریف، سوءاستفاده‌ی دشمنان
جمله‌های برگزیده

لینک ثابت

۱۳۷۹

دشمن درونی،دشمن بیرونی

همه‌ی کسانی را که اسم آوردیم، معنایش این نیست که اینها با نظام اسلامی معارضة دارند؛ نه. ممکن است معارضة‌ای هم نباشد؛ اما نظام اسلامی نمی‌تواند اینها را نبیند؛ نمی‌تواند حضور اینها را، فکر اینها را، تلاش اینها را، اهداف و نیتها و انگیزه‌های اینها را که در کنار آن، در مقابل آن، در میان آن حضور دارند، ندیده بگیرد. حکمت و تدبیر برای نظام اسلامی این است که اینها را ببیند؛ اینها را بشناسد و اینها را علاج کند. علاج، معنایش استفاده‌ی از زور و قدرت نیست. تصوّر نشود که هرجا گفته می‌شود باید این فکر را یا این کار را علاج کرد، یعنی به زور متوسّل شد؛ نه. زور مال کسانی است که منطق ندارند. مجموعه‌ای که منطق دارد، با حربه‌ی استدلال و منطق کاری می‌کند که هیچ حربه‌ی دیگری و هیچ قدرت مادی‌ای نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. بنابراین نیاز

وَ انصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ

ترجمه:

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندروییهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

لینک ثابت

۱۳۸۰

دشمن درونی،دشمن بیرونی

پیمودن این راه، دشمن و مزاحم دارد. بزرگترین دشمن این راه عبارت است از دشمنی که در درون خود ماست و آن دشمن عبارت است از: راحت‌گرایی، غفلت‌گرایی، تبلی‌گرایی، آسان‌گرایی و تمایل به پرهیز کردن از میدانهای دشوار. این راه، جدّ و جهد و مجاهدت لازم دارد. تمایلات انحرافی انسانها - تمایل به مال دنیا، تمایل به منطقه‌های انحصاری زندگی، تمایل به شهوات گوناگون - موانع این راه است که بخصوص ما مسؤولان و برادران و خواهرانی که در بخشهای مختلف کشور مسؤولند، باید به خدای متعال پناه ببریم و مراقب باشیم و به همدیگر تذکّر دهیم. این دشمن درونی، البته خطرناکتر از دشمن بیرونی است.

این راه، دشمنان خارجی هم دارد. دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه می‌کنند، می‌بینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگو در دنیای اسلام است و آنها نمی‌خواهند این طور شود. می‌دانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مسائل مادیّ و گره‌های گوناگون را - که در هر کشوری کم و بیش وجود دارد - برطرف و باز کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آن‌گاه مسلمانها گرم و گیراتر به سمت این الگو حرکت می‌کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می‌کنند. الان چند سال است که به طور آشکار، در پیشرفت مسائل اقتصادی کشور، دشمنان ما از خارج به شیوه‌های گوناگون مانع ایجاد می‌کنند. ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۸۰

دشمن درونی،دشمن بیرونی

و اما دشمن پنجم. دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود داشت. خطرناکتر از همه‌ی دشمنها هم همین است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد: تمایلات نفسانی، خودخواهیها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه‌ی آن را خود انسان فراهم می‌کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه‌ی با این دشمن، به وسیله‌ی شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچکتر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگتر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگتر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگتر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان. اگر قرآن می‌فرماید: «الَّذِینَ فِیْ قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ»، اینها منافقین نیستند؛ البته عده‌ای از منافقین هم جزو «الَّذِینَ فِیْ قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ»‌اند، اما هر کسی که «الَّذِینَ فِیْ قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ» است - یعنی در دل، بیماری دارد - جزو منافقین نیست؛ گاهی مؤمن است، اما در دلش مرض هست. این مرض یعنی چه؟ یعنی ضعفهای اخلاقی، شخصیتی، هوسرانی و میل به خودخواهیهای گوناگون؛ که اگر جلوبیش را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تو را از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تو بی‌ایمان و ظاهر تو باایمان است؛ آن وقت اسم چنین کسی منافق است. اگر خدای نکرده دل من و شما از ایمان تهی شد، در حالی که ظاهرمان، ظاهر ایمانی است؛ پابندیرها و دلیستگیهای اعتقادی و ایمانی را از دست دادیم، اما زبان ما همچنان همان حرفهای ایمانی را می‌زند که قبلاً می‌زد؛ این می‌شود نفاق؛ این هم خطرناک است. قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ اَسَاؤًا السَّوْءَ اِنْ کَذَّبُوا بِآیَاتِ اللّٰهِ»؛ آن کسانی که کار بد کردند، بدترین نصیبشان خواهد شد. آن بدترین چیست؟ تکذیب آیات الهی. در جای دیگر می‌فرماید: آن کسانی که به این وظیفه‌ی بزرگ - انفاق در راه خدا - عمل نکردند، «فاعقبهم نفاقا فِیْ قُلُوبِهِمْ الِیْ یَوْمِ یَلْقَوْنَهُ بِمَا اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوهُ»؛ چون با خدا خلف وعده کردند، در دلشان نفاق به وجود آمد. خطر بزرگ برای جامعه‌ی اسلامی این است؛ هرجا هم که شما در تاریخ می‌بینید جامعه‌ی اسلامی منحرف شده، از این‌جا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی‌تواند نابود کند بالاخره ایمان می‌ماند و در جایی سر بلند می‌کند و سبز می‌شود. اما آن‌جایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هرجا انحراف وجود دارد، منشأش این است. پیغمبر با این دشمن هم مبارزه کرد. ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

پنجه‌افکندنی این صفوف گوناگون، و این‌که هر کسی بخواهد در نظام اسلامی پنجه بیفکند، چه زمینه‌هایی در درون خود نظام اسلامی، مسؤولان نظام، سردمداران نظام، مؤثران نظام و مردم دارد؟ من چند نمونه‌اش را اینجا یادداشت کرده‌ام:

یکی از زمینه‌ها، تحجّر است. نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحوّل فکر انسانها را ندیده گرفتن، تعالی و ترقّی فکر و اندیشه و راههای زندگی را انکار کردن. این تحجّر است. هر دانشی را که شما نگاه کنید، تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تحجّر است. اگر قرار بود ایستایی، پافشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد؛ فقه ما هم از هزار سال پیش تا به‌حال این همه تحولات و پیشرفت‌ها را پیدا نمی‌کرد. در همه‌ی امور زندگی این‌طور است. تحجّر، یکی از بزرگترین آفات است.

در کنار تحجّر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی‌بندوباری، چه در فکر - یعنی این‌که انسان هر آنچه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می‌شود، بدون ارزیابی، بدون نقّادی و بدون فهم درست با آن مواجه شود و با زرق و برق، این منافع بسیار حسّاس را برای خود تهیه کند - و چه در عمل؛ یعنی نقطه‌ی مقابل تقوا. تقوا، همان ضدّ ولنگاری است. تقوا، یعنی دقّت و مراقبت و مواظبت از این‌که هیچ عملی - چه گفتار، چه کردار، عمل جوارح، حتی عمل جوارح - بدون رعایت موازین انجام نگیرد. این تقواست. نقطه‌ی مقابلش همین ولنگاری و بی‌بندوباری است. اگر در زمینه‌ی فکر و اندیشه، در زمینه‌ی علوم و در هر زمینه‌ای این ولنگاری باشد، وایلاست! هرجا این روحیه‌ی بی‌بندوباری و ولنگاری وارد شد - که به دنبال آن، سهل‌انگاری در قبول، سهل‌انگاری در عمل، سهل‌انگاری در فهم خواهد بود - آن کسانی که دچار این آفت شوند، وضع و روز خوبی نخواهند داشت.

تقلید کورکورانه‌ی از غرب بخصوص، این هم یکی از آفتهاست. چون تمدّن غربی از لحاظ علمی پیشرفت داشته است و زرق و برقی دارد، از او کورکورانه تقلید کنند و هر چیزی از آن‌جا آمد، بپذیرند؛ چه فلسفه، چه اخلاق، چه حرفهای گوناگون.

از جمله‌ی آفتها، طعمه‌جویی است. این آفت بزرگی است. مسند را، مسؤولیت را، مقام اجتماعی را و حتی علم را به عنوان طعمه نگاه کند، برای این‌که بتواند به نان و نوایی برسد. این آفت است. فرصت‌طلبی، راحت‌طلبی و خوی شرارت، از این قبیل است. اینها آفتهایی است که وجود دارد. این زمینه‌هاست؛ زمینه‌های درونی، اخلاقی، رفتاری خود ماهاست؛ آن صف‌بندیهای طبیعی است که در مقابل نظام اسلامی هست. ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۸

دشمن درونی.دشمن بیرونی

مواظب دشمن باشید. خصوصیت ارتش این است که مراقب دشمن است؛ چون از مرزها همیشه حراست می‌کند. پس، مراقب دشمن بودن، خصوصیتی است که برای ارتش ناشنا نیست. ارتشیان عزیز! مراقب دشمن باشید؛ نه فقط دشمنی که از مرز حمله می‌کند، بلکه دشمنی که به مرزهای درون وجود ما حمله می‌کند؛ اراده‌ی ما را تضعیف می‌کند، ایمان ما را تضعیف می‌کند، عزم قاطع ما را بر کار کردن تضعیف می‌کند، عمل ما را از خلوص و صفا خالی می‌کند. دشمن حقیقی این است. اگر ما توانستیم با این دشمن دست و پنجه نرم کنیم و بینی او را به خاک بمالیم، آن‌وقت در مقابل آن دشمن بیرونی دست ما پُر است. آن کسی‌که در میدان جنگ دچار هزیمت می‌شود، قبلاً در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمی‌تواند ما را منهزم کند. ۱۳۷۸/۰۱/۲۵

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۷

دشمن درونی.دشمن بیرونی

یک نکته‌ی دیگر این است که در آسیب‌شناسی انقلاب، باید نقش عوامل درونی و بیرونی، هر دو ملاحظه بشود. البته این جا دو افراط وجود دارد که من مایلم ذهن خودم را همواره از هر دو افراط، رها کنم و ذهن مردم را هم برحذر بدارم که دچار این دو افراط نشوند. یکی این که ما عوامل برونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم؛ دیگری به‌عکس، عوامل درونی را عمده کنیم و از عوامل بیرونی غافل بمانیم. الان کسانی هستند که به هر دو این افراطها هم مبتلا هستند؛ هر دو عامل، جداً وجود دارد. اگر انسان نگاه کند، می‌بیند که عوامل

۱۳۷۹

دشمن درونی.دشمن بیرونی

از طرف سوم، دشمن خارجی است. دشمن خارجی نقشش این است که از این امکانات معارضه‌ی با نظام در داخل استفاده کند و آنها را تشدید نماید. بنده گاهی که در صحبتها بعضی کسان را به توطئه‌های دشمن تنبّه می‌دهم، افرادی می‌گویند: آقا! شما چرا به دشمن خارجی می‌پردازید؟ چرا به مسائل خودمان، به کمبودهای خودمان اشاره نمی‌کنید؟ حرف باید روشن بشود. اگر دشمن خارجی در مقابل خود کمبودها را، ضعفها را، زمینه‌ها را مشاهده نکند، نمی‌تواند تسلّط پیدا کند. این‌که چیز بدیهی و روشنی است؛ بارها هم گفته‌ایم. اصلاً کامیابی دشمن از بیرون در آن صورتی است که در درون صفوف داخل نظام - داخل کشور و داخل جامعه - نقاط ضعف و نقاط خلأ وجود داشته باشد. در این‌که شکی نیست. اما دشمن خارجی را نمی‌شود منکر شد. دشمن خارجی می‌آید از همین ضعفها حداکثر استفاده را می‌کند. هیچ انسانی را، هیچ جامعه‌ای را و بیش از همه هیچ مسؤولی را کسی مدح نخواهد کرد که دشمن را نبیند؛ تلاش دشمن را نفهمد؛ سوء استفاده‌ی دشمن را از ضعفهای خودی بجا نیاورد. آری؛ دشمن خارجی یک حقیقت است؛ منتها دشمن خارجی می‌آید از ضعفهای ما استفاده می‌کند. نظام اسلامی اگر در درون توانسته باشد این ضعفها را برطرف کند، یقیناً دشمن خارجی ناکام خواهد ماند؛ اما وقتی که دشمن خارجی حمله می‌کند، وظیفه‌ی فوری و فوری، مواجهه‌ی با اوست. فرض بفرمایید وقتی دشمن به مرزها حمله می‌کند - در تشبیه به این دشمنی جنگ نظامی - وظیفه اوّل این است که همه بروند جلو او را بگیرند. ما بیاییم بحث کنیم که «علت این‌که دشمن این جنگ را شروع کرد، چه بود؟ ممکن است فلان رفتاری که ما کردیم، فلان پرخاشی که ما کردیم، فلان عمل خلافی که ما کردیم، موجب این شده است»؛ جای این بحثها نیست. هرچه علت بوده است، هر ضعفی وجود داشته است، الان باید رفت جلوی دشمن را گرفت؛ بعد البته بپردازید علتها را هم برطرف کنید. ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۹

دشمن درونی.دشمن بیرونی

تهدیدهایی که متوجّه آینده‌ی درخشان ماست، دو نوع است: تهدیدهای خارجی؛ تهدیدهای داخلی. من ابتدا این یک کلمه را بگویم که اگر از داخل، این ملت دشمن نداشته باشد؛ عامل نفوذی نداشته باشد و دو چهرگان در مسائل کشور تخریب نکنند؛ دشمن خارجی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. البته توجّه کنید که بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست. من می‌گویم هر چیزی که به سلامت و ایمان و عزم و نشاط لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوّق بگذارد، تهدید است. ولنگاری تهدید است؛ بی‌بندوباری تهدید است؛ مواد مخدّر تهدید است؛ بی‌اهمیتی به علم و درس و کار تهدید است؛ سرگرم شدن به مناقشات اجتماعی بیهوده تهدید است؛ درگیریهای داخلی تهدید است؛ بی‌اعتمادی به نظام و مسؤولان تهدید است؛ البته غفلت مسؤولان هم تهدید است؛ برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است. یک ملت بیدار، یک ملت آگاه، یک ملت زنده، یک ملت جوان، یک ملت انقلابی مثل ملت ما، باید همه‌ی این تهدیدها را از سر راه خود بردارد. ۱۳۷۹/۰۳/۰۱

بیانات در دیدار با جوانان در مصّلاّی بزرگ تهران

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۷

دشمن درونی.دشمن بیرونی

اینک این اسلام است که سرافرازتر از همیشه در صحنه‌ی حیات بشر، حضور و قدرت خود را بر همگان آشکار می‌سازد و فروغ امید را در دل انسان رنج کشیده‌ی این عصر بر می‌افروزد. و این است بزرگترین سرمایه‌ی امت اسلامی. ولی در راه بکار گرفتن این سرمایه‌ی بی‌زوال، خطرهای بزرگی کمین گرفته است، و بزرگترین این خطرها یکی خطر درونی است و دیگری خطری از بیرون. خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجّر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه‌ی فکری، و یا مجموعه‌یی از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران به رهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فاتح آمد تا توانست در جبهه‌های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند.

ولی تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسؤولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوه بزرگ و جدّی می‌شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می‌نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت د، داد آن فامخانه‌یم، همانا ک‌ه‌ش‌ش، همه حانه‌ی دشمنان ما با

بیرونی، دشمنی دشمنان انقلاب از هر دو جهت است. ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۷

دشمن درونی.دشمن بیرونی

ببینید، پس ما دو جور دشمن در داخل داشتیم. در انقلاب شوروی، سرمایه‌دارها، زمین دارها و این‌گونه افراد با انقلاب، مخالفت کردند؛ اما یک مشت روشنفکرهایی بودند که نان و آبی از رژیم گذشته‌ی شوروی عایدشان نمی‌شد، بعد هم با این رژیم، کنار آمدند و این رژیم هم زرنگی کرد و جلبشان کرد. لذا می‌بینید روشنفکرهایی که حتی در برهه‌یی، ناراضی بودند، جزو رژیم جدید شوروی شدند و با آن همکاری کردند؛ برایش کتاب نوشتند! کتابهایشان الان هست؛ همان روشنفکرهای قبلی بودند - رمان نویس، شاعر، موسیقی‌دان و غیره - همه همکاری کردند!

در ایران نه، کسانی بودند که از لحاظ آسیب دیدن از برخورداریهای مادی، هیچ مشکلی با انقلاب نداشتند، تنها از لحاظ این‌که یک حکومت دینی بود و آنها از دین، لجشان می‌گرفت و دین را قبول نداشتند، با انقلاب، مقابل شدند! این یکی از مسایل و حقایق قابل توجه است؛ چون انقلاب، مدعی و مروج دین بود و مردم را به دینداری سوق می‌داد و آنها تحت تأثیر فرهنگ غربی، یا تفکرات گوناگون - و به قول خودشان گرایش به ایدئولوژیها و مکتبهای گوناگون - با دین، میانه‌یی نداشتند، قبول نداشتند. در صورتی که حکومتهایی بودند که اصلاً انگیزه‌های استعماری نداشتند، نمی‌توانستند هم داشته باشند؛ اما به هر دلیلی - چه به دلایل سیاسی، چه به دلایل عقیدتی - که با دین مخالف بودند، با انقلاب اسلامی، مخالف شدند! لذا یک چنین صف‌آراییهای عظیمی در مقابل کشور ما شده است؛ الان هم ادامه دارد!

اینها عوامل بیرونی هستند که همه، روی تضعیف انقلاب، کار کردند! شما خیال نکنید اینها بی‌کار نشستند؛ اینها همه کار و تلاش کردند، تا جنگی شروع شد و همه به دشمن ما در آن جنگ، کمک کردند! ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۶

دشمن درونی.دشمن بیرونی

باید درس اخلاق بگویید، درس اخلاق سیاسی هم بگویید، درس اخلاق و معنویت هم بگویید، تحلیل سیاسی هم بدهید، دشمن درونی را هم - که نفس اماره یا شیطان رحیم است - معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم - که شیطان بزرگ یا شیطانهای گوناگونند - معرفی کنید، ایادی و اذنان شیطان را هم معرفی کنید. وقتی معنای عبودیت الهی این شد که انسان از «انداد الله» اجتناب کند و تبری جوید، باید از همه‌ی آشکال آن تبری جوید. «انداد الله»، یک وقت نفس پلید انسانی است که درون اوست؛ «نفسک التی بین جنییک». یک وقت شیطان است که در دعای صحیفه‌ی سجّادیه می‌گوید که «او را در وجود من مستقر کردی و به چیزی که مرا از آن متمکّن نکردی، تمکّن بخشیدی». یک وقت هم شیطانهای قدرتمند عرصه‌ی سیاسی‌اند که برای اغوا و راهزنی و تسلّط و ضربه زدن و به جهّم کشاندن ملت‌ها و شعوب بشری منتظر نشسته‌اند. «انداد الله» اینهايند. دعوت به عبودیت، نفی اینها را می‌طلبد؛ چاره‌ای ندارد. ۱۳۷۶/۱۰/۰۲

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۶

دشمن درونی.دشمن بیرونی

برادران! بیاييد ما برای آیندگان، میراثی از این افتخارآمیزتر به ارث بگذاریم. در بررسی عوامل بیرونی وضع کنونی، من تهاجم جبهه‌ی استکبار را، از همه مؤثرتر می‌یابم. در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشور‌ها - را با سطره‌ای قلدرانه و تحقیر آمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان، اهانت روا می‌دارد. مثالهای بارز آن را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیراً تهاجم همه جانبه‌ی سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آنها، در برابر چشم ملت‌های ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشاندۀ است. قدرتهای غربی در این تهاجم مؤثر، از پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده‌اند. ما دشمن را ملامت نمی‌کنیم. کسانی سزاوار ملامتند که با کوتاه بینی و راحت طلبی و خود خواهی، زمینه‌ی سرکشی دشمن و تهاجم خمش را فراهم ساختند. غربی‌ها تهاجم

استفاده از همه‌ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن

همین دشمن درونی است. ۱۳۷۷/۱۲/۲۸

پیام به کنگره‌ی عظیم حج

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۷

دشمن درونی.دشمن بیرونی

خوب، این دشمنیها با انقلاب، الان هم وجود دارد، الان هم هست، الان هم سرمایه‌های زیاد و پولهای بسیاری دارد صرف می‌شود. بعضی از این موارد را اخیراً آمریکاییها به خاطر این که قدری وقیحتر شده‌اند، اظهار می‌کنند؛ لیکن خیلی بیشتر از این را نمی‌گویند! مثلاً بیست میلیون دلاری را که در مجلس‌شان رسماً تصویب کردند؛ ولی خرجهایی می‌کنند که خیلی بیشتر از این حرف‌هاست! علیه انقلاب، تبلیغاتی سازمان یافته‌یی دارد می‌شود؛ کار مطبوعاتی، کار سیاسی و کار دیپلماسی بسیار قوی دارد می‌شود! عوامل آنها در داخل هم هستند؛ که این هم جزو عوامل بیرونی است. من که می‌گویم عوامل بیرونی، حتی کسانی منظور است که از آنها الهام می‌گیرند و در داخل، علیه انقلاب کار می‌کنند، یا قلم می‌زنند، یا توطئه می‌کنند، یا ضربه‌ی اقتصادی و ضربه‌ی سیاسی می‌زنند!

این عوامل است؛ نباید اینها را ندیده گرفت. هرکس اینها را توهم بداند - کما این که کسانی می‌خواهند بگویند اینها توهم است - مثل کسی است که شب در جنگلی قرار گرفته، اطرافش را گرگ‌ها احاطه کرده و منتظر یک لحظه غفلت او هستند، تا او را بدرند، ولی او بگوید که من خیال می‌کنم! خیلی خوب، خیال می‌کنی، بگیر بخواب! کسی غیر از خودت که ضرر نخواهد دید. لذا با «خیال می‌کنم»، این دشمن موجود و مترصد، از دست نخواهد رفت. این یک طرف قضیه است.

طرف دیگر هم عوامل درونی است. عوامل درونی، یعنی مواردی که در درون خود ما انقلابیون و ما مؤمنین است؛ اینها کم نیست، زیاد است. من می‌خواهم عرض کنم که اگر ما این آسیبهای درونی را علاج نکنیم، آن آسیبهای بیرونی، مشکلی برای ما به‌وجود نخواهد آورد.

ببینید، قرآن به طور صریح در این زمینه با ما حرف می‌زند؛ می‌گوید: «ذلک باّن الله لم یک مغیراً نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم»؛ نعمتی که خدا به شما داد، محال است از شما بگیرد، مگر شما شرایط خودتان را عوض کنید. چون نعمت الهی، بی‌حساب و کتاب نیست؛ خدا تحت شرایطی نعمتی را به کسی می‌دهد. اگر آن شرایط را حفظ کردید، محال است که نعمت، از بین برود و پس گرفته بشود.

این جزو مضامین و مسلمات و بّیانات دعا‌های ماست. انسان در صحیفه‌ی سجّادیه و جاهای دیگر که نگاه می‌کند، برایش مسلم می‌شود که این‌جوری است؛ خدا نعمت را نمی‌گیرد، مگر ما آن شرایط را عوض کنیم. الان این اتاق، روشن است، این چراغ‌ها الان دارند نور می‌دهند؛ چرا؟ لابد شرایطی وجود دارد، سیم‌هایی، امکاناتی و فضایی هست؛ اگر اینها تغییر پیدا کند، طبیعی است که این هم نخواهد بود. این چیز واضحی است. تقدیر الهی، یعنی اندازه‌گیریهای دقیق پروردگار؛ این لایتخلف است. چنانچه ما اندازه‌ها را عوض کردیم، خدای متعال هم نتایج را عوض خواهد کرد.

خوب، حالا من دشمن داخلی، یعنی در واقع دشمن درونی را در سه چیز، خلاصه می‌کنم. اعتقاد من این است که همه‌ی این چیزها به این سه چیز برمی‌گردد - در بحث‌های شما هم که نگاه کردم، به خیلی از این موارد، اشاره و درباره‌اش بحث شده است - اگر ما بتوانیم این سه چیز را علاج کنیم، خیلی از مشکلات، حل خواهد شد. اول هم خود من، نمی‌خواهم از کس دیگری اسم بیاورم. بنده یکی از کسانی هستم که در جریان امور این مملکت، نقش دارم. یک مقدار از ضعف‌ها هم در من است؛ در طبقات مختلف مسؤولین و در خواص است. هرچه پایین بیایم، نقش‌ها کم‌رنگتر می‌شود. این ایرادها در ما‌هاست؛ باید آنها را برطرف بکنیم. اگر هست، باید برطرف بکنیم؛ اگر نیست که چه بهتر!

یکی از آنها بی‌ایمانی - ضعف ایمان - است. این آسیب درون است. یکی، سوء عملکرد در همه‌ی زمینه‌هاست؛ از جمله در تبلیغ، که جای صحبت از صدا و سیما هم هست. یکی از آنها دنیا طلبی است؛ یعنی مزه‌ی دنیا را با حرص و ولع، در دهان مزمره کردن و چرب و شیرین دنیا را قدر دانستن!

به نظر من این سه چیز، عوامل اصلی است و همه چیز، به این سه چیز برمی‌گردد. هر دستگاه، یا هر فردی که موجب این سه چیز بشود، به انقلاب ضربه می‌زند. هر کس موجب گردد که مردم به بی‌ایمانی سوق داده بشوند و ایمان مردم ضعیف بشود، کمک به آسیبهای انقلاب می‌کند. ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۵

انسان، غفلت، دشمن شناسی، دشمن درونی.دشمن بیرونی

شاید واقعاً برای انسان، هیچ خطری بالاتر و هیچ دشمنی بزرگتر از غفلت نباشد. ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

اجمالاً، بشر دو نوع موانع بر سر راه خود دارد: یکی موانعی است که درون وجود خود او قرار دارد و دیگر، موانعی که بیرون از وجود اوست و در داخل شخصیت و روان او نیست. هردو نوع این موانع، خطرناک و باز دارنده‌ی حرکتند. از موانع درونی انسان، می‌توان به «خلقیات فاسد» اشاره کرد. مثلاً در راه تکامل، خودخواهی انسان یک مانع است. خودپرستی و خودبینی - که انسان فقط شخص خود را به حساب بیاورد و دیگران را به چیزی نشمارد - مانع بزرگی در راه تکامل انسان است که در او حسد، طمع، حرص و برادرکشی ایجاد می‌کند. انسان‌میتلا به این گرفتاریها، بسیاری از جنگها را به راه می‌اندازد و بسیاری از ظلمها و نامردمیها را به وجود می‌آورد. منشأ همه‌ی اینها، خودخواهی است.

از جمله موانع دیگری که انسان را از راه کمال باز می‌دارد، تنبلی، تن‌پروری، بی‌اعتنایی به کار و بی‌شوقی نسبت به حرکت است. شما در دعای شب اول ماه رمضان می‌خوانید: «اللهم اجعلنا ممن نوى فعل و لا تجعلنا ممن شقى فکسل و لا ممن هو على غير عمل يتکل.» ببینید چه عبارتهای پر مغز و چه درسی در پوشش دعاست! دعا کننده از این‌که جزو کسانی باشد که دچار کسالت و بی‌عملی هستند، به خدا پناه می‌برد. نمی‌خواهد از جمله کسانی باشد که می‌خواهند، اما عمل نمی‌کنند و انتظار دارند بدون کار کردن نتیجه بگیرند و بدون کشتن بذرند. «و لا تجعلنا ممن شقى فکسل و لا ممن هو على غير عمل يتکل.» می‌گوید: خداوندا! مرا جزو کسانی که فقط به آرزو تکیه می‌کنند و به عمل و تلاش نمی‌پردازند، قرار مده.

شما به جوامع عقب افتاده‌ی عالم - از جمله جوامع اسلامی خود ما در کشورهای متعدد - نگاه کنید! یکی از رازهای عقب افتادگی و انحطاط این کشورها - از لحاظ مادی و معنوی - این است که عمل در زندگی‌شان، نقش زیادی ندارد. اینها دردها و مرضهای درونی است اینها موانع درونی انسان است که او را از کار باز می‌دارد. از جمله، شهوترانی یا میل به شهوات؛ که هر چه می‌خواهد انجام دهد، فکر عاقبت را نکند و دنباله رو هوی و هوس خود باشد. در روایت معروفی نقل شده است که فرموده اند: «ان اخوف ما اخاف علیکم ائشان، اتباع الهوی و طول الامل»؛ ترسناکترین بلایی که از ابتلای شما مسلمانان به آن می‌ترسم، این است که دنباله رو هوای نفس خودتان باشید؛ یعنی شهوترانی کردن و شهوات را بر عقل مسلط ساختن. اینها همه موانع درونی انسان است.

یک نوع موانع هم، خارج از وجود انسان است. مثلاً حکومتهای ظالم و دیکتاتور، در طول تاریخ مانع تکامل انسانها بوده‌اند. سرمایه‌داران بزرگ و زراندوز که همه‌ی تلاش خود را صرف این می‌کرده‌اند که خود به نوایی برسند، دیگران را برای رسیدن به مقاصد خود استخدام و استثمار می‌کردند. اینها جزو موانع کمال بشرند. فساد آنها، ظلم آنها، قدرت آنها، پول آنها، شلّاق آنها، شمشیر آنها، امروز بمب اتم آنها، موشکهای بالستیک آنها، سیاستهای پیچیده‌ی آنها، توطئه‌های تبلیغاتی آنها، نیروهای نظامی آنها، همه و همه، موجب می‌شود که میلیاردها انسان، از راه کمال باز بمانند. در کشورهایی هم که سلاطین مستبد بر انسانها حکومت می‌کنند، یا حکام وابسته به اجانب و قدرتها زمام امور را در دست دارند، انسانها نمی‌توانند راه کمال را ببینایند. وقتی نظام اجتماعی، غلط و ظالمانه است و براساس صحیحی استوار نیست؛ وقتی انسانها از حکومت سالم، قانون درست و رجال مؤمن و دلسوز برخوردار نباشند، در چنین شرایطی انسان نمی‌تواند به تکامل برسد. ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۰

دشمن درونی.دشمن بیرونی

دشمنان انواع و اقسامی دارند: دشمن خارجی و دشمن داخلی. گاهی در درون هم دشمن هست. دشمن داخلی - آن چهره‌ی نفاق‌آلوده - را هم باید شناخت. در مقابله‌ی با این دشمنان گوناگون، امید به شماهاست. شما هستید که باید مثل بنیان مستحکمی، در مقابل این دشمنان بایستید. ۱۳۷۰/۰۸/۳۰

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۶۸

دشمن درونی.دشمن بیرونی

هرجا شما اختلاف دیدید، جستجو کنید، بدون دشواری شیطان را در آنجا خواهید یافت، یا شیطانی را که در درون نفوس خود ماست و نفس اماره نام دارد و خطرناکترین شیطانها هم است، پیدا خواهید کرد. بنابراین، پشت سر همه‌ی اختلافات، یا خودخواهیها و جاه‌طلبیها و منّیتهای ماست و یا شیطانهای خارجی، یعنی دستهای دشمن و استکبار و قدرتهای ظالم و ستمگر. ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

با آن خوره و موربانه‌ای که از درون به جان نظام اسلامی می‌افتد و روحیه‌ی جوانان را تضعیف می‌کند، باید مبارزه و مقابله کنید. ۱۳۷۱/۱۱/۰۶

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

نظام جمهوری اسلامی ایران، دشمن‌ستیزی، دشمن درونی.دشمن بیرونی

جمله‌های برگزیده

لینک ثابت

۱۳۷۱

دشمن درونی.دشمن بیرونی

به همه‌ی ملت ایران توصیه می‌کنم که موانع راه را شما باید بردارید. راه برای ما روشن است؛ موانع راه هم برای ملت ایران روشن است. باید این موانع را بردارید؛ هم موانع درونی و هم موانع بیرونی را. موانع درونی را باید با تضرع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل، از پیش پا بردارید. اگر دل ما سالم نباشد، نمی‌توانیم دنیای سالمی درست کنیم. اگر در درون خودمان معیوب باشیم، نمی‌توانیم عیب جامعه و جهان را برطرف کنیم. ملت ایران بار سنگینی بردوش دارد و باید آن را به منزل برساند. باید دنیایی بسازد که هم برای خودش شیرین باشد و هم برای جوامع دیگر. شما می‌توانید چنین کاری بکنید؛ اما شرطش این است که هر یک از ما، درصدد تهذیب نفس خودمان باشیم. نماز با توجه، انس با قرآن، دعا و توسل، تضرع، روزه‌ی ماه رمضان و عبادات نیمه‌شب،مخصوصاً برای جوانان، که تأثیرپذیریشان زیاد است، می‌تواند مذهب نفس باشد. ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۱

دشمن درونی.دشمن بیرونی

و اما، موانع بیرونی. امروز سنگر اصلی در سطح عالم، جمهوری اسلامی است. این سنگر را باید محکم نگه دارید. با چه چیز؟ با اتحاد و اتفاق؛ با همدلی میان آحاد مردم و میان مردم و مسئولین کشور؛ با همدلی میان مردم و دولت، میان مردم و مجلس، میان دولت و مجلس، میان کارگزاران کشور و میان آحاد مردم. گروههای مختلف، جناحهای مختلف، سیاستها و جهتگیریهای مختلف، در مقابله با دشمن، باید با هم باشند و کاری نکنند که دشمن سوء استفاده کند. اختلاف سیاسی مانعی ندارد؛ اختلاف نظر مانعی ندارد؛ مبارزات انتخاباتی به شکل سالم، مانعی ندارد؛ اما خراب کردن یکدیگر، خراب کردن چهره‌ی کشور، خراب کردن ذهن مردم و چهره‌ی مسئولین دلسوز، اشکال دارد. ایجاد سؤال و ابهام در ذهن مردم، اشکال دارد. با وحدت و یکپارچگی، «کأنهم بنیان مرصوص»، مثل یک دژ پولادین، در مقابل دشمن بایستید؛ مثل چند برادر در یک خانه. ممکن است دو برادر از یکدیگر کدورت و گله هم داشته باشند، اما در مقابل کسی که به خانه‌ی آنها حمله می‌کند، دوش به دوش، باید در کنار هم بایستند. آحاد ملت باید این گونه باشند. این، یکی از ویژگیهایی است که در این سنگر می‌توانید حفظ کنید. ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی

دشمن درونی.دشمن بیرونی

جستار

لینک ثابت

۱۳۷۰

دشمن درونی.دشمن بیرونی

ما ملت ایران باید به تهذیب نفس همت کنیم؛ خودمان را بسازیم، خودمان را تطهیر و پاکیزه کنیم و نفوسمان را با خدا آشنا نماییم. این جهاد، بزرگتر از هر جهاد ظاهری، با هر دشمنی و با هر عظمتی است. همه‌ی انبیای الهی آمده‌اند تا انسان را بسازند، او را از دست منیتهای خود نجات بدهند و از شر وسوسه‌های درونی خودش خلاص کنند. این شجاعت و این قدرت باید در ما به وجود بیاید، تا بتوانیم بر وسوسه‌های درونی خودمان غلبه کنیم و با هوای نفس خودمان - با آن شیطانی که در وجود ماست و اسم آن «من» است - مبارزه نماییم.

هر کدام از ما در درون خودمان و از وجود خودمان شیطانی داریم که همان «من» ماست، همان منیت ماست، همان خودخواهیها و هوسها و هوسرانیهای ماست. چه چیزی ما را از دست این شیطان نجات خواهد داد؟ جز اراده‌ی دینی و ایمان قوی و دلی که با تزکیه و اخلاق الهی آشنا شده باشد؟ این، خیلی قوّت و شجاعت لازم دارد. شجاعت این مبارزه، بیشتر از شجاعت مبارزه‌ی با هر دشمن بیرونی است.

آنهایی که در مبارزه‌های با دشمنان بزرگ پیروز می‌شوند، کسانی را به خاک می‌نشانند و قدرتهایی را نابود می‌کنند، گرفتاری بزرگشان در مبارزه با نفس خودشان است. این غروری که به ما دست می‌دهد، این هوس و شهوتی که به ما عارض می‌شود، این غفلت و نسیان از یاد خدا که ما را فرا می‌گیرد، این شیطان‌صفتی‌پی که در معامله‌ی با برادرانمان، با جامعه‌مان و با حوادث

دوروبرسات به ما عارض می‌شود، آن شیفت درونی است، این است که باید آن را علاج بکنیم.

بشر بیشترین ضربه را از همین هوس درونی و منیت خود خورده است. ذلت انسان هم ناشی از این است، تکبر انسان هم ناشی از این است. هم قدرتهای استکباری و فرعونها ضربه‌ی این منیت و فرمان نفس خودشان را خورده‌اند، هم آنهایی که زیر بار فرعونها رفتند.

چرا انسانهایی تن به مبارزه‌ی با طاغوت نمی‌دهند؟ چرا کسانی جرأت نمی‌کنند با امریکا بجنگند؟ چه چیزی مانع آنهاست؟ همین شیطان درونی؛ همینى که مى‌خواهد دو روز بیشتر زنده بماند، راحت‌تر زندگى کند و راحت‌تر بخورد و بپوشد.

چرا در گذشته بسیاری از دانشمندان و افراد برجسته‌ی اجتماع، اسیر و دستخوش خواست قدرتهای استکباری شده بودند، و حالا هم در کشورهای مختلف می‌شوند؟ چون اسیر نفس و راحت‌طلبی خودشان هستند. کسانی که اسیر راحت‌طلبی و شهوات نفسانی خودشان می‌شوند، اگر عالم و دانا باشند، خطر و ضررشان بیشتر، و لغزششان خطرناکتر است.

خداى متعال در قرآن کریم، «بلعم باعورا» را براى ما مثال مى‌زند: «و لکنّه اخلد الی الارض و اتّبع هواه»؛ انسانى که با معارف الهى آشنا بود، اما به زمین چسبید؛ یعنى براى دو روز بیشتر زندگى کردن و راحت‌تر خوردن، به زندگى خاکى، به هوسها و به خواسته‌های نفسانى خود چسبید. نتیجه‌ی این کار، پستى بود.

هم دولتهایی که در مقابل قدرتهای استکباری حرف خود را نمی‌زنند و از ملتهای خود دفاع نمی‌کنند، اسیر نفس خود، اسیر دو روز بیشتر سلطنت کردن و دو روز بیشتر در تخت قدرت باقی ماندن هستند، هم آن توده‌های مردمی که در مقابل قدرتهای استکباری قیام نمی‌کنند؛ آنها هم اسیر همان یک لقمه غذایی هستند که می‌خواهند از راه راحتى به آنها برسد؛ هیچ چیز دیگر برایشان مطرح نیست؛ این هم نفس است. پس ببینید، جهاد اکبر این است. اگر ملتى بخواهد راه عزت و شرف را، راه خدا را، راه زندگى بهتر را، راه رسیدن به آرمانهای مادّی و معنوی را طى بکند، باید بر نفس خود مسلط باشد.

امروز ملت ما تجربه‌های بزرگی را گذرانده است؛ اما یکایک ما آحاد این ملت - و بیش از همه خود بنده، که از همه محتاج‌ترم - باید خودمان را اصلاح کنیم؛ باید با نفس خودمان مبارزه کنیم و با شیطان درونی خودمان بجنگیم، تا برای ادامه‌ی این راه با عظمت و با عزت - یعنى راه پیامبران - آماده بشویم. این شجاعت،

بالاترین شجاعتهاست. ۱۳۷۰/۰۷/۱۷

📖 دیدار جمعی از اینارگران و خانواده‌های شهدا

👤 دشمن درونی.دشمن بیرونی

📁 جستار

لینک ثابت



بیانات

گزیده بیانات
پیام‌ها و نامه‌ها
نقشه راه
مرور سریع
پیشخوان
ابلاغیه
جستار
موضوعی
قرآن
حدیث
نهج‌البلاغه
خانواده ایرانی

اخبار

خبر
حاشیه دیدارها
روزنگار
عضویت در سامانه
پیامکی
عضویت

خاطرات

خاطرات
زندگی‌نامه

علمی - فقهی

استفتانات
راهنمای فتاوا
رساله آموزشی
استهلال ماهانه
درس خارج
شرح حدیث
توضیح المسائل امام

دیگران

یادداشت
گفتگو
خاطره
گزارش
آرشیو پرونده ها
صفحه ویژه

کتاب

تلمیحات و اشارات
کتابخانه
انتشارات

عکس

تصاویر دیدارها
تصاویر ویژه
پوستر/سایز اصلی
چندرسانه‌ای

صوت

صوت کامل بیانات
صوت گزیده بیانات
کلیپ صوتی
نسخه پادکست

فیلم

فیلم دیدارها
گزیده دیدارها
نماهنگ
گزارش خبری

